

بسم الله الرحمن الرحيم

## حج برائت

جایگاه حج چیست؟

جایگاه حج به لحاظ تمدنی چیست؟

آیا ما وظیفه ای در این زمینه داریم یا خیر؟

احکامی که ما داریم هر کدام خاصیتی خاص به خود را دارد. به عنوان نمونه، احکام مالی باعث تطهیر قلب می شود. (خُدَّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً نُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا) از اموالشان صدقه بگیر تا بدینوسیله خودشان تطهیر شوند.

همینطور در احکام روزه آمده است: (وَيَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) روزه برای این است که انسان ترمز بگیرد و تمرین کف نفس کند.

نماز هم در حقیقت یک عبادت برتر است. نماز (اقم الصلاة لذكركم) است. اقامه نماز برای یاد خدا و ارتباط با خداست. اگر کسی میخواهد ارتباط با خدا پیدا بکند بر اساس نماز است و اگر قرار باشد خدا با او ارتباط پیدا بکند بر اساس قرآن است.

و اما حج عبادتی است که به لحاظ تمدنی مرتبط است با تمام بحث های مربوط به قبله، بنای کعبه، نماز، اقامه نماز، مسجد و مسجدالحرام. می بینید که حتی مبحث حج به بحثهای مالی نیز ارتباط پیدا می کند.

یکی از فکرهای اشتباه این است که ما تصور می کنیم در ایام حج تعدادی از افراد ثبت نام کرده و عازم می شوند و سایر افراد نسبتی با حج ندارند. فکر می کنیم آن ها به حج رفته و اعمال و مناسکشان را انجام می دهند و بعد از حج تعدادی حاجی سر تراشیده بر میگرددند. در صورتی که قرآن با این زاویه نگفته است .

اگر بخواهیم تشبیه کنیم کلیت بحث شبیه مجمع عمومی سازمان ملل است. مجمع عمومی سازمان ملل یک منطقه ی امنی است در نیویورک که متعلق به همه است، یعنی همه. بشریت هم به این جمع بندی رسیده است که نقطه امنی را تولید بکند تا هر کسی تظلمی داشت به آنجا بیاید و تظلم کند. اینجا به عنوان مجمع عمومی سازمان ملل دیده شده و نقطه امن عالم است. به عبارتی برای این تدارک شده و از طرفی هم آنجا جایگاه امامت است، یعنی امام و ائمه کفری که در این عالم هستند در آنجا حضور دارند. برای همین است که در کشور آمریکاست.

به این ایده و اندیشه ای که بشریت رسیده است، که باید با حضور امام و با حضور بزرگتر یک نقطه امن درست بکند تا تمام منازعات را آنجا پایان بدهد، خداوند از ابتدای خلقت رسیده و تدارک کرده است البته با تفاوت هایی . یکی از تفاوت های خیلی جدی در عنصر امامت است، دیگری در عنصر مردمی بودنش است. حکام به آن نقطه امن عالم (که حالا آیا واقعاً امن است یا نیست ؟ نیست به دلیل اینکه الان امام در آن نیست بلکه امام کفر هست) نمیروند، رئیس جمهورها نمیروند، گروههای مردمی نماینده میفرستند مردم اند که میروند. برای همین است که گفته شده است باید از هر گروهی حداقل یک نفر به آنجا برود. در پیش چه کسی؟ در پیش امام. آنجا نقطه ای است که اگر از بالا نگاه بکنید می بینید که یک مغناطیسی است که همه ابناء بشر و مسلمانان به آن سمت در حال همگرا شدنند. که آن سمت، سمت امامت است. به وضوح در آیات ما آمده است امامتی که در جبلت آدم ها هست و عشقی که به امام وجود دارد. آمدن در این صحنه به عبارتی حج اردوی راهیان نور خداست نه راهیان نوری که در ۸ سال یک اتفاقی افتاده است نه! راهیان نوری که از ابتدای بشریت این اردو برگزار شده است و همه پیغمبران از حضرت آدم تا حضرت خاتم در اینجا ما به ازا دارند، یعنی آمده اند در این سرزمین.

حاجی در مجمع عمومی سمپوزیوم حج نماینده شماست و دقیقاً آن کاری که حاجی می کند شما باید این طرف بکنید یعنی گاردی که حاجی در آنجا دارد می گیرد گاردیست که شما هم همین گارد را باید بگیرید شما هم به عبارتی حاجی هستید. اینطور نیست که یک عده حاجی هستند و رفته اند به مسجد الحرام و یک عده هم حاجی نیستند و در حال زندگی خودشانند و ارتباطی به بحث حج ندارند. اتفاقاً همه به بحث حج مرتبط هستند و حاجی نماینده شماست در آنجا. اگر اینطور باشد معلوم میشود که اگر نسخه ای برای حاجی نوشته شده است برای شما هم هست. لذا ائمه دائماً سعی می کردند برای کسانی که به حج نمیروند با انواع نمازها و کارها و مراقبتها و .... ، حتی قربانی کردنها فضاسازی حج را ایجاد کنند.

وقتی حج به سمت امام هست و قالب حج توسط دولت های مستکبر و ائمه کفر غصب شده است و به عبارتی شما با یک حج بی خاصیت مواجه هستید، (به خصوص با تدابیری که سازمان حج دارد برای اینکه حج را هر چقدر می تواند بی خاصیت تر بکند.) ائمه برای این رزمایشی را تدبیر کرده اند و آن رزمایش کربلا و اربعین است.

نه اینکه قرار است قبله جایگاهش عوض بشود، قبله عوض نمی شود، ولی رزمایشی برای اتفاقی که قرار هست به لحاظ کالبدی در قبله بیفتد در کربلا می افتد.

سر این که رفتن به کربلا در روایات متعددی از رفتن به حج افضل دانسته شده است به خاطر این نکته است که گاهی اوقات یک کربلای با روح از یک حج بی روح اصل تر و مهم تر و رزمایش است. این به معنای این نیست که کعبه و بیت الله را فراموش کنیم. بلکه اینجا همین نقطه امنیت را مجمع جهانی سازمان ملل است و نه سازمان دول (تحت قیمومیت دولت آمریکا).

اینجا سازمان ملل هست. **مَثَابَةُ لِلنَّاسِ وَأَمْنًا** محل گردهمایی همه مردم است. یعنی به دلیل این که هر کدام در آنجا مابه ازاء دارند محل گردهمایی است. حتی در روایات می فرمایند: مثابه محل گردهمایی دلهاست یعنی دلها متوجه آنجا شده است. لذا یکی از کارهای سلوکی که خوب است در این ایام انجام بدهیم این است که دلها را به سمت حج (دل دیگر این محدودیتها و اصطکاک های بدنی را ندارد) به سمت طواف، به سمت دور خدا دور امام گشتن و... روانه بکنیم.

مثابه به حالت گودال طوری می گویند که آب که به نزدیکش برسد در آن می ریزد و چون آنجا محل گردهمایی مردم است امنیت هم آنجاست. امنیت هم به دلیل وجود امام آنجاست. اگر وجود امام از آنجا حذف بشود امنیت زایی هم ندارد.

اربعین را نگاه کنید چند میلیون آدم با این امنیت کامل به کربلا می روند و برمی گردند.

منظور از امنیت فقط امنیت نظامی نیست؛ امنیتی است که زاییده توحید است. توحید کلاً امنیت

زاست. اینی که می فرماید: **الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ**

کسانی که ایمانشان را به ظلم نیالودند اینها در امنیت هستند.

ائمه در تفسیر **مَثَابَةُ لِلنَّاسِ وَأَمْنًا** می فرمایند: معنای "امنا" در اینجا امنیت تکوینی نیست. درست

است که امنیت تشریحی دارد ولی امنیت تکوینی ندارد. این همه راه زن، دزد، قاچاقچی و... دارد.

اگر آیه می فرماید اینجا امن است به واسطه ما (ائمه) امن است و با حضور ما امن است. ولی بدون

حضور ما (ائمه) جای امنی محسوب نمی شود. اگر آنجا دست امام افتاد امنیت دارد و اگر دست امام

نیفتاد امنیتی ندارد.

حضرت امام با کنش هایی که نسبت به جریان حج و حج برائت گرفت و حتی حج را تعطیل کرد، امام

عملاً حج و وجود حج را در مناسک ما در طراز دیگری تعریف کرد، یعنی ایشان فهمید که یکی از

مهمترین کنش ها، کنش حج است، روی آن برنامه ریزی کرد و عملاً با حضور خودش امامت را در حج

به گونه ای احیا کرد و به دنبال احیا امامت رفت. احیا امامت و بسیج نیروها از طریق برائت .

بسیج نیروها در قبیل ظهور و انتهای دوره اسلام از طریق برائت انجام شده است. اگر می بنید دو تا

سوره آخر ما برائت و ولایت است به عبارتی، سوره توبه و مائده، این ها بخاطر این است که عنصر

برائت با تمام شفافیت خودش باعث می شود که شما در این سمت بسیج نیرو پیدا کنید، حج اکبر و اعلان حج اکبر این است که **وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ**»

خدا و رسول از مشرکین بری هستند و این باید اعلان بشود، یعنی باید اعلان برائت شود، حاجی باید آنجا این اعلان را بکند، در کربلا باید این اعلان بشود و اینجا در انتخابات و اینها باید این اعلان بشود، اگر این بشود معلوم است موقعیت تاریخی امروزمان را فهمیدیم، یعنی فهمیدیم چه کاره ایم؟ یعنی بحث، بحث اعلان برائت است و درست کردن یک جماعت توحیدی و کانون مترکم توحیدی بر اساس برائت و خط کشی های صریح و روشن با نظامات کفر. این امر مقدمه ظهور است و پیش قراولی آن در حج انجام می شود.

مقدمه ای است که قبله همان گونه ای که برای امام است ان شاء الله به همین صورت فتح شود. این یک دموی کلی از آن مطلبی که اردوی راهیان نور خداست، همه آن چیزی که قرار است در همه تاریخ انبیاء گفته شود در همین نقطه قابل تبیین است و ما به ازاء دارد، تمام جنگ های صدر اسلام در همین منطقه ما به ازاء دارد و از آن طرف هم مجمع عمومی سازمان ملل است و اینجاست که وقتی همه به اینجا متوجه بشوند، آن موقع پدیده امامت گل می کند و خودش را نشان می دهد. ما به دلیل اینکه چیزی به نام سازمان دول آمریکایی، بالاخره در آنجا می رویم و می آییم، من نمی گویم نرویم و نیاییم، ولی چون داریم می رویم و می آییم، اینجا برایمان یک اهمیتی پیدا کرده است، آنجا (سازمان ملل) تظلم و تحاکم را داریم به سمت امام طاغوت می بریم. حالا نگرش دیگری باز شده است که دولت های اسلامی و ممالک اسلامی جاهای دیگری را برای خودشان تأمین بکنند و تعیین بکنند و بروند آنجا با همدیگر بنشینند. ولی کل این پدیده هنوز به مفهوم امام، به مفهوم امنیت امام گره نخورده است، که این جایگاهش در جایگاه حج و بیت الله الحرام است.

از بالا هم نگاه بکنید می بینید همه را متوجه به قبله کردند، نه در نماز و دفن و ..... **وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۖ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ** همه کلا وجهه خودتان را به سمت حج، به سمت قبله، به سمت امام بگیرید. در آیه نفرموده است برای نماز به سمت قبله حرکت بکنید و رو به سمت قبله کنید، فرموده هر جایی بودید رو کنید به سمت قبله، که معلوم شود به سمت قبله هستیم یعنی به سمت چه کسی هستیم؟

اسم حج بی روح را اصطلاحاً گذاشتم حج کچل ها، یعنی یک عده آدم می روند کچل می کنند برمی گردند. آنچه از آیات مشخص است این است که عنصر جهاد با حج همراه است و حج رفتن در قرآن یعنی رفتن در دعوی با کفار. در آیات سوره مبارکه بقره می فرماید: **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ**

عنصر حج، مشمول جهاد بوده یعنی حج رفتن به معنای مبارزه و رفتن در دعوا بوده است در صورتی که الان آنقدر مراقبت می کنند که وارد دعوا نشوند و پرهیز می کنند از وارد شدن در دعوا.

این کاری که سازمان حج می کند، یعنی شما برائت دارید ولی در چادر در بسته که کسی صدای شما را نشنود، این می شود حج صورتی.

در سال ۱۴۰۰ اجازه ی برگزاری نماز جماعت در هتل و صحبت کردن در مورد فلسفه ی حج را نمی دادند. چون تا از فلسفه حج صحبت شود به نظامات کفر برخورد می کند.

وضعیت برگزاری حج در قبل از انقلاب روشن و مشخص است اما در وضعیت حکومت اسلامی انتظار دیگری وجود دارد. معنی حج کردن یعنی قرار گرفتن در یک دعوا؛ با توجه به این که امروزه کالبد حج توانایی تحمل روح حج که همان اعلان برائت است را نمی تواند تحمل کند، پس اگر قرار باشد روح این حج در صحنه دیگری بازسازی شود، باید در رزمایش دیگری برائت از مشرکین را به نمایش بگذارد و اربعین می تواند صحنه جدید این نمایش باشد. در حال حاضر بعثه و سازمان حج و زیارت توصیه می کنند حتی در داخل هتل ها هم نماز جماعت برگزار نشود و اصلاً راجع به حج صحبت نشود و اگر بنا به صحبت است تنها در زمینه مسائل روحی سخنرانی شود. مثلاً این حرف که گفته شود حرکت از صفا به مروه یعنی حرکت از صفای درونی و صفای دل به سمت جوانمردی و مروت حرف درستی است اما تمام بحث حج را نباید در این موارد خلاصه کرد. از سوی دیگر وقتی جماعت شرکت کننده در حج افراد مسن و سالخورده هستند عملاً امکان برگزاری مانور اعلان برائت وجود ندارد از همین روست که دستور داریم که از بیت المال مسلمین اهل جِدِه باید به حج فرستاده شوند. این اهل جده به معنای ثروتمندان نیست بلکه به افرادی گفته می شود که توانایی و استطاعت برگزاری حج ابراهیمی را دارند یعنی هم فلسفه حج را می دانند و هم شرایط اقدام متناسب با این فلسفه را دارند. مثلاً جوانانی که هم بتوانند حرکت کنند و هم بتوانند با سایر حجاج راجع به مسائل اصلی مسلمین هم چون فلسطین و اسرائیل و امریکا صحبت کنند.

اگر می بینیم که افراد در دل کفار و شرایط فعلی عربستان، حج برگزاری می شود و هیچ برائتی در آن وجود ندارد یعنی از کارکرد اصلی خود خارج شده است. در حال حاضر خواندن دسته جمعی دعای سلامتی امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) به صورت دسته جمعی در هنگام طواف هم دل شرطه ها را به لرزه در می آورد، چه برسد به گفتن عباراتی هم چون الموت لامریکا و الموت لاسرائیل . وقتی دست به دست هم و پشت به پشت هم چنین حرکتی صورت بگیرد ، اتفاق دیگری رقم می خورد.

مجددا باید یادآوری کرد که با توجه به تعریف دقیق حج ابراهیمی، حاجی بودن صرفا منحصر در حضور فیزیکی در ایام حج در عربستان نیست و ما هم اکنون و در همین جا می توانیم به جا آورنده حج و حاجی باشیم. در تمام اعمال و رفتار خود باید حس حاجی بودن داشته باشیم مثل مناظرات و انتخابات و ... ، روح کلام و جهت گفتار ما باید به سمت برائت از مشرکین باشد نه به سمت گفتگوی تمدن ها. خداوند در آیه ۱۹ سوره توبه می فرماید **أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ** آیا کسانی که سقایت حاجیان و عمارت مسجد الحرام را برعهده دارند، مانند مجاهدین هستند؟ سقایت<sup>۱</sup> حاجیان و عمارت مسجد ارائه خدمات جهت برگزاری حج که پر افتخارترین مشاغل توحیدی هستند، به خودی خود مطرح نیست بلکه قرار گرفتن در گارد حج و دعوی برائت است که حائز اهمیت است ، این دو اصلا با هم یکسان نیستند. روح حج یعنی جهاد فی سبیل الله نه آب دادن به حاجیان. امروزه جهاد مسلمانان در رفح اهمیت بیشتری دارد یا خادم الحرمین بودن؟

برطبق آیات ۹۵ تا ۹۷ سوره آل عمران : **قُلْ صَدَقَ اللَّهُ ۖ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ أَوْلَىٰ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًىٰ لِلْعَالَمِينَ ۗ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ ۖ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ۗ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ** . خداوند به مسلمانان دستور تبعیت از ملت و آیین ابراهیم حنیف را می دهد چرا که اگر چنین تبعیتی نباشد مسلمانان سفیه می شوند( **وَمَنْ يَزْعُبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ**) . در ادامه خداوند به خود بیت الله الحرام اشاره می کند. در روز دحوالارض زمین از همین نقطه احیا شده است. این نقطه اولین بیتی است که برای مردم وضع شده است . این نقطه مرکز عالم است و احیای زمین باید از همین جا صورت بگیرد چرا که محل تغذیه همه عالم چه از جهت روحی و معنوی و چه از جهت کارکردی همین

---

<sup>۱</sup> آب دادن

منطقه کعبه است و از همین روست که مکه ام القرا نام گرفته است و سعودی ها این نقطه با عظمت و اهمیت را غصب کرده اند.

در روایات آخرالزمانی ذکر شده که حج در آخرالزمان به یک تفریح توریستی تبدیل می شود و چنین چشم اندازی از سوی حکام سعودی دنبال می شود که این منبع تغذیه عالم به یک محل توریستی تبدیل شود. حال آن که چشم انداز ما اتصال دو قبله مسلمین به هم و فروریختن غاصبان این دو قبله است و ما امروزه اتحاد این دو غاصب یعنی اسرائیل و عربستان را می بینیم چرا که سنت خداوند این است که این خباثت با هم متحد و متراکم شوند ( **وَيَجْعَلُ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ** ). نتیجه این تراکم قرار گرفتن آن ها در جهنم و شکل گیری ماجرای فتح مکه خواهد بود. فتح مکه عملیاتی است که توسط خداوند شکل می گیرد کما این که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) هم با ورود مسلمین به مکه ، این قبله دروغین فروریخت. در حال حاضر بن سلمان<sup>۲</sup> دقیقا در همین پازل خداوند عمل می کند و با وجودی که هیچ بهره ای از دین نبرده اما وسیله ای برای تحقق خواست خداوند است. این موارد مقدمه اتفاقات خوش آینده خواهد بود ان شا الله و به زودی خواهیم دید که کعبه و قبله فتح شده و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به کعبه تکیه زده و اعلام امامت خواهند نمود.

در ادامه آیات سوره آل عمران که مورد توجه قرار دادیم خداوند با بیان اهمیت کعبه به مقام ابراهیم اشاره می کند. در این جا باید نکته ای را مورد توجه قرار داد. در نگاه ابتدایی خداوند در این آیات می فرماید خانه کعبه یعنی این چهاردیواری اولین خانه ای است که برای مردم وضع شده و در آن آیات روشن و مقام ابراهیم است. اما وقتی دقت کنیم می بینیم ک اگر منظور از مقام ابراهیم همان مقام ابراهیم مصطلح امروزی باشد ، این محل خارج از بیت کعبه قرار گرفته است در حالی که در آیه مذکور خداوند فرموده است که فیه آیات بینات مقام ابراهیم یعنی قاعدتا مقام ابراهیم باید داخل بیت باشد اما در مسجد الحرام است(در زمان ها گذشته این مقام ابراهیم نزدیک تر و چسبیده به خود کعبه بوده اما در هر حال داخل آن نبوده است). با توجه به این توضیحات می توان گفت که مقام ابراهیم که در این آیه اشاره شده است همان مقام امامت و صاحب خانگی است و کسی که وارد مقام ابراهیم شود آمن و در امنیت است. این خانه صاحب خانه دارد و باید به محضر این صاحب خانه وارد شد. سپس خداوند می فرماید **وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ** یعنی آن چه به مردم واجب است حج است نه حج. حج

<sup>۲</sup> با توجه به نگاه و سیاست جذب توریست در حج و اهمیت ویژه به امنیت منطقه

همان رهاورد حَج است که به گردن فرد مستطیع است و او باید ثمره حَج را با خود به همراه بیاورد. سپس خداوند با عبارت «كَفَّر» می فرماید اگر کسی کفر بورزد و این دستور و عبادت را انجام ندهد، خداوند از عالمیان بی نیاز است. پس دستور خداوند قرار گرفتن در امنیت بیعی است که در آن مقام ابراهیم قرار دارد نه بیعی که بتکده باشد. در روایات متعدد این نکته تصریح شده است؛ مردم در زمان حج خدمت ائمه اطهار (علیهم السلام) می رسیدند و می گفتند چرا بر خلاف آیات قرآن که کعبه را محل امنیت معرفی کرده است ما با قطاع طریق و راهزنان و غارتگران مواجه می شویم؟ و حضرات معصومین (علیهم السلام) در پاسخ می فرمودند آن حجی که ما در آن باشیم و صاحب بیت باشیم محل امنیت است و لذا کسانی که خود را به امام می رسانند در یک امنیت اعتقادی و عملیاتی قرار می گیرند.

این تعریف از مقام ابراهیم است که معنای صحیحی از آیه را می تواند به ما نشان دهد.

خداوند در آیه ۱۲۵ سوره بقره می فرماید **وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى** یعنی مصلی را باید از مقام ابراهیم اتخاذ کنید. هر چند ما به صورت نمادین نماز را در پشت مقام ابراهیم می خوانیم اما باید توجه داشته باشیم که معنای اصلی آیه این است که در پشت امام باید نماز بخوانید. معنای واقعی حج با معنای امامت به صورت کامل گره خورده است و هر خانه ای با صاحب خانه آن معنا پیدا می کند اما متأسفانه امروزه معنای امامت به طور کلی از حج گرفته شده است در حالی که تنها مسیر رسیدن به امنیت قرار گرفتن در سایه امام است و اگر چنین اتفاقی نیفتد این فرد کافر است و شکر برگزاری حج صورت نگرفته است و در لایه های بعدی اگر به صورت اعتقادی نیز چنین اتفاقی نیفتد کفر اعتقادی صورت گرفته است. طبق این آیه نماز و نماز خواندن باید با توجه به مقام ابراهیم صورت بگیرد حال آنکه اگر مقام ابراهیم را صرفاً همان رد پا در نظر بگیریم نمی توانیم ارتباط نماز را با آن مقام درک کنیم. با این تعاریف محتوای طواف هم پروانه وار به دور امام گشتن است و در پاسخ به اللهم لبیک ها قرار است جواب امام را دریافت کند چرا که **وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا**. این سرزمین، زمانی ارزشمند است و قابلیت قسم خوردن خداوند را پیدا می کند که روح اصلی امامت در آن جاری باشد: **بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَا أُقْسِمُ بِهَٰذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَٰذَا الْبَلَدِ**. اگر امامت نباشد این سرزمین نیز ام القریا نخواهد بود بلکه یادگاری از انبیای گذشته است که در دست غاصبان قرار گرفته است و کارکرد دیگری جز کوتاه شدن موی آدم پیدا نمی کند.



